

گونه‌شناسی روایات و بازشناخت شخصیت تاریخی- حدیثی «ام‌ایمن»

محمد رضا پیرچراغ^۱

چکیده

محدثات، در میان راویان احادیث فریقین، حضوری چشمگیر داشته و تأمل در روایات آنان، به عنوان بخشی از عناصر مهم و نقش‌آفرین اجتماعی اسلام، امری مهم به شمار می‌آید. یکی از زنان مؤثر صدر اسلام، «ام‌ایمن» است. وی در دوران کودکی رسول الله ﷺ، سرپرستی ایشان را بر عهده داشت و به همین دلیل، به «حاضنة النبی» ملقب گردید. ام‌ایمن به گواه رسول الله ﷺ، امیرمؤمنان علی و امام صادق علیه السلام، اهل بهشت و مورد اعتماد حضرت زهرا علیها السلام بود. مطابق برخی روایات، در عصر ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه‌ش، این بانوی بزرگوار رجعت می‌کند و حضور خواهد داشت. پژوهش حاضر با هدف بررسی شخصیت تاریخی و حدیثی ام‌ایمن و نیز شناخت راویان و نوع روایات ایشان، به روش توصیفی- تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای سامان یافته است. براین اساس، ضمن معرفی ام‌ایمن، به بازشناسی شخصیت تاریخی- حدیثی وی و گونه‌شناسی موضوعی روایات ایشان بر اساس ابواب جوامع حدیثی می‌پردازد. در همین راستا، روایات جمع‌آوری شده از ایشان در هر موضوع، ذیل عناوین اصلی و فرعی، تفکیک و تبیین گردید. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که اولاً شخصیت رجالی ایشان مورد توثیق شیعه و اهل سنت است؛ ثانیاً شاگردان و راویان طبقه نخست از ایشان (در منابع شیعه و سنی) از نظر رجالی، دارای وثاقت و جلالت هستند و ثالثاً پربسامدترین گونه‌های روایی ایشان به ترتیب عبارت است از: روایات تاریخی، احادیث فضایل اهل بیت علیهم السلام، روایات فقهی و روایات اخلاقی. **واژگان کلیدی:** محدثات، زنان راوی، ام‌ایمن، گونه‌شناسی روایات، رجال.

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران؛ m.pircheragh@isr.ikiu.ac.ir

مقدمه

بر اساس حدیث ثقلین، قرآن و اهل بیت علیهم السلام عدل یکدیگرند که در هدایت و نجات بشر، نقشی یکسان و برابر را بر عهده دارند. معارف اهل بیت علیهم السلام توسط راویان و محدثینی نقل گردیده است که شناخت آنان، از جمله موارد حائز اهمیت در علم حدیث به شمار می آید. علت این امر، اطمینان یافتن به صحت صدور حدیث و جایگاه راوی در میان اندیشمندان علم رجال است؛ بنابراین در صورت وارد شدن جرح بر راوی، سند حدیث، دچار ضعف و اشکال می شود و اتکاء به قول راوی، از حجیت ساقط می گردد. در میان راویان، زنان نیز حضوری چشمگیر داشته اند که به محدثات مشهور شدند و نقش آنان اگر بیش از مردان نباشد، کمتر نخواهد بود. «ام ایمن» در زمره این افراد قرار دارد که روایات مختلف و متعددی از ایشان در منابع حدیثی فریقین نقل شده است. این مسئله، حاکی از اهمیت شخصیت و روایات وی به سبب حضور بیش از پیش نسبت به سایر اصحاب نزد رسول الله صلی الله علیه و آله است. به همین دلیل، تحقیق حاضر، به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه ای، بر آن است به گونه شناسی روایات ام ایمن بپردازد.

۱. پیشینه

با تتبع و جستجو در منابع و مآخذ، مشخص گردید پژوهش هایی در رابطه با «ام ایمن» انجام شده است؛ از جمله:

- در دایره المعارف بزرگ اسلامی، مقاله ای به قلم حسن یوسفی اشکوری در حدود نیم صفحه، به شرح حال ام ایمن پرداخته و به راویان و احادیث وی اشاره نموده است.
- کتاب «حاضنة رسول الله صلی الله علیه و آله» اثر محمد حسن بریغش. این اثر که با عنوان «ام ایمن، بانویی از عصر پیامبر صلی الله علیه و آله» به فارسی ترجمه شده، شرح حالی از ام ایمن به عنوان یکی از زنان صدر اسلام بوده و اساساً در آن، به راوی بودن این بانوی محدث اشاره نشده است.
- کتاب «فرهنگ فاطمیه» اثر مهدی نیلی پور. در این کتاب، به فراخور مباحث مربوط

به وقایع پس از پیامبر ﷺ، به برخی روایات امایمن از رسول الله ﷺ و ذکر دلالت آنها در تأیید مقام حضرت صدیقه طاهره ﷺ پرداخته شده است.

- مقاله «امایمن؛ شاهدی بر مدعای فدک» شهربانو دلبری، نشریه فقه و تاریخ تمدن، تابستان ۱۳۸۶. مسئله اصلی این مقاله، به نقش آفرینی امایمن در ارائه شهادت فدک به نفع حضرت زهرا ﷺ پرداخته است. همچنین ذکر تاریخی این واقعه اگرچه در قالب روایت ایشان منعکس شده، اما به مجموعه روایات امایمن اشاره‌ای نشده است.

- مقاله «محرم کوثر؛ مروری بر زندگی امایمن، بانوی بزرگوار حامی ولایت» نوشته عبدالرحیم سیفی‌نژاد، نشریه فرهنگ کوثر، پاییز ۱۳۷۶. هدف اصلی این مقاله نیز بیان زندگی‌نامه امایمن به اختصار است.

- مقاله «امایمن (چهره زنان صدر اسلام)»، مجله قاموس، بهار ۱۳۶۲. همچون مقاله قبل، به زندگی‌نامه امایمن اشاره دارد.

چنان‌که اشاره شد، مسئله اصلی پژوهش‌های مذکور، بررسی شرح حال امایمن به عنوان یکی از زنان صدر اسلام، ارتباط وی با رسول الله ﷺ و نقش او در شهادت دادن نسبت به ماجرای فدک به نفع حضرت زهرا ﷺ بوده است. همچنین اگرچه این کتب و مقالات، از حیث شخصیت مورد پژوهش، با تحقیق حاضر مشابه بوده، اما در هیچ‌کدام از آنها، به گونه‌شناسی احادیث و نیز بررسی راویان طبقه اول ایشان که مسئله اصلی پژوهش حاضر است، اشاره‌ای نشده است. لازم به ذکر است مقالات دیگری با عنوان گونه‌شناسی روایات یک راوی، یا روایات تفسیری یک امام در منابع وجود دارد که از حیث ماهیت و نوع شخصیت راوی مورد پژوهش، اساساً هیچ‌گونه ارتباطی با مقاله پیش رو ندارد. براین اساس، مهم‌ترین وجه تمایز تحقیق حاضر آن است که ضمن گونه‌شناسی روایات امایمن بر اساس ابواب جوامع حدیثی، به شرح حال، وثاقت و فضایل ایشان پرداخته و وثاقت شاگردان و راویان طبقه نخست وی را نیز مورد مذاقه قرار داده است.

۲. شرح حال

در تاریخ، نام ایشان، بَرَكَةُ بنت ثعلبة بن عمرو بن حصن (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۱۷۹۳) ثبت گردیده و دارای کنیه ام‌ایمن و ام‌الطباء (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵ الف، ج ۸، ص ۳۵۸) و القابی نظیر حاضنة النبی، مولاة رسول الله ﷺ و خادمه رسول الله ﷺ (مزی، ۱۴۱۳، ج ۳۵، ص ۳۲۹) است. ایشان نخست کنیز عبدالله بن عبدالمطلب، پدر رسول خدا بود و پس از ولادت رسول الله ﷺ، ایشان را در آغوش کشید و از وی سرپرستی نمود (ابن اثیر، بی‌تا، ج ۵، ص ۵۶۸). ام‌ایمن و همسر ایشان، عبید خزرجی، پس از ازدواج رسول الله ﷺ با حضرت خدیجه ۱۱ با توسط پیامبر اکرم آزاد (حلی، ۱۴۰۸، ص ۱۲۶) و دارای فرزندی به نام ایمن شدند که وی در جنگ حنین به شهادت رسید (ابن سعد، بی‌تا، ج ۸، ص ۲۲۳). ام‌ایمن قبل از هجرت خاتم‌الانبیاء، با زید بن حارثة بن شراحیل کلبی [بنده خدیجه که به رسول الله ﷺ هدیه داده شد و ایشان وی را آزاد نمود] ازدواج کرد و اسامه متولد گردید. بنابراین اسامه بن زید و ایمن بن عبید، دو برادر از یک مادر هستند (کاظمی، ۱۴۲۵، ج ۲، ص ۶۹۰). ایشان به حبشه و مدینه نیز هجرت کرد (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۱۷۹۳) و در طبقه صحابه قرار دارد. (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵ الف، ج ۸، ص ۳۵۸) ام‌ایمن در ماجرای سقیفه، از حقانیت امیر مؤمنان ۱۱ دفاع کرد (هلالی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۵۹۳) و از شاهدان فدک بود (طبرسی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۲۱). همچنین بر اساس روایت و ماجرای مذکور، بهشتی بودن ایشان توسط رسول الله ﷺ بشارت و تضمین شده است (نوری طبرسی، ۱۴۲۹، ج ۲۵، ص ۱۷۵ و مازندرانی حائری، ۱۴۱۶، ج ۷، ص ۴۵۹). وی در جنگ احد حاضر بود و مسئولیت آب رساندن به لشکریان و مداوای زخمیان را بر عهده داشت (ابن جوزی، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۳۴۱). ام‌ایمن در غسل دادن زینب و رقیه، فرزندان رسول الله ﷺ نیز شرکت داشت (بلاذری، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۰۱). ام‌ایمن پیش از ولادت امام حسین ۱۱، بشارت تولد ایشان را از رسول الله ﷺ دریافت نمود و پرورش امام حسین ۱۱ را بر عهده گرفت. (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۷۰)

برای ام‌ایمن کرامتی نقل شده است: ام‌ایمن هنگام مهاجرت از مکه به مدینه، به منطقه روحاء رسید. پس در آن اثناء که روزه بوده و آبی همراه خویش نداشت، دچار عطش گردید. پس از سختی عطش، سطل آب زلالی از آسمان نزدیک شد و از آن نوشید تا سیراب شد. بدین

خاطر، هماره می‌فرمود: بعد از آن، عطشی نصیب من نشد، حتی اگر در روزی بسیار گرم روزه بگیرم. (ابن سعد، بی‌تا، ج ۸، ص ۲۲۴)

روح ام‌ایمن، در ۸۵ سالگی به سوی درگاه باری تعالی پرواز نمود. زمان وفات ایشان را پنج ماه و به قولی شش ماه پس از رحلت رسول الله ﷺ و در زمان خلافت ابوبکر (۱۱-۱۳ق) (ابن جوزی، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۳۴۱ و نمازی شاهرودی، ۱۴۱۴، ج ۸، ص ۵۵۰) و به گفته واقدی (۲۰۷ق) و ابن حبّان (۳۵۴ق)، در زمان خلافت عثمان (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۴، ج ۱۲، ص ۴۰۸) بیان نموده‌اند. نکته قابل ذکر دیگر، فضایل و مناقب برشمرده شده از ایشان در منابع روایی است که به چند نمونه از آن اشاره می‌شود. نخستین آن از رسول الله ﷺ است که در حق ایشان فرمودند: «هر آن کس که دوست دارد با زنی از اهل بهشت ازدواج کند، با ام‌ایمن ازدواج نماید» (ابن سعد، بی‌تا، ج ۸، ص ۲۲۴). همچنین ام‌ایمن به سبب سرپرستی رسول الله ﷺ از کودکی، حکم والده ایشان را داشته‌اند که در این باره فرمودند: «پس از مادرم (آمنه)، ام‌ایمن مادرم است» (ابن کثیر، ۱۳۹۵، ج ۴، ص ۶۴۳). در تاریخ نقل شده است: «رسول خدا ﷺ هماره ام‌ایمن را به عنوان مادر صدا می‌نمود و هنگام نظاره به ایشان می‌فرمود: ایشان باقیمانده اهل بیت من است». (حاکم نیشابوری، بی‌تا، ج ۴، ص ۶۳)

در لسان اهل بیت علیهم السلام نیز فضایی برای ام‌ایمن نقل شده است. نخستین فضیلت، در ارتباط با اهل بهشت بودن ایشان است. امیر مؤمنان در حدیثی به سلیم بن قیس، ام‌ایمن را بهشتی معرفی نموده‌اند (هلالی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۸۲۷). روایتی از اسماعیل جعفری با سندی معتبر (نجفی، ۱۴۲۳، ج ۳، ص ۴۹۴) است که پس از حضور در محضر امام باقر علیهما السلام و عرضه اعتقادات، از مستضعفین سؤال نمود، فرمودند: «تو ام‌ایمن را مستضعف می‌دانی؟ من گواهی می‌دهم که او از اهل بهشت است» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۴۰۵). حدیث دیگر متضمن فضیلت، از امام صادق علیهما السلام است که ایشان با بیان وقایع سقیفه و بیعت ابوبکر، ماجرای غصب فدک و شهادت ام‌ایمن را مطرح نموده و فرمودند: «تو را به خدا قسم، آیا این فرمایش پیامبر را قبول داری که فرمود: «ام‌ایمن یکی از زنان اهل بهشت است؟» (قمی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۵۵) که ابوبکر به این حقیقت اعتراف نمود.

فضیلت دیگر ام‌ایمن، همراهی با حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه هنگام رجعت است. در این رابطه امام صادق علیه السلام فرمود: «با قائم، سیزده تن زن وجود دارد که زخمی‌ها را مداوا و از بیماران پرستاری می‌کنند؛ همان گونه که همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله این کار را انجام دادند. این افراد شامل قنواء دختر رشید، ام‌ایمن، حبابه والبیه، سمیه مادر عمار یاسر و دیگران می‌باشند». (طبری آملی، ۱۴۱۳، ص ۴۸۴)

آخرین فضیلت، اعتماد حضرت فاطمه علیها السلام به ایشان است که امام صادق علیه السلام در این رابطه فرمودند: «وقتی که لحظات آخر عمر شریف حضرت فاطمه علیها السلام شد، به دنبال ام‌ایمن که موثق‌ترین زنان نزد ایشان بود، فرستادند» (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۸۵). در حدیث دیگری که مربوط به ساعات آخر زندگانی و شهادت حضرت زهرا علیها السلام است، چنین آمده که ام‌ایمن به همراه اسماء بنت عمیس (۳۸ق)، در شمار افرادی هستند که از جانب حضرت زهرا علیها السلام فراخوانده شدند تا وصایایی به امیر مؤمنان نمایند (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۳۶۲). بر اساس این رخداد، حسن حال ام‌ایمن نیز مستفاد می‌گردد. (امین، بی‌تا، ج ۳، ص ۵۵۶)

بنابراین مشخص گردید که در لسان رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، ام‌ایمن دارای فضایی است که نشان از جایگاه والای ایشان است.

۳. وثاقت ام‌ایمن

پس از بیان شرح حال، به بررسی وثاقت این بانوی بزرگوار پرداخته می‌شود. در منابع اهل سنت، ایشان را در زمره ثقات برشمرده‌اند (تمیمی بستی، ۱۳۹۳، ج ۳، ص ۴۶۱). شیعه نیز در کتاب‌های رجالی، ام‌ایمن را اهل بهشت و از شاهدان فدک و موثق برمی‌شمارد (مامقانی، بی‌تا، ج ۳، ص ۷۰؛ تبریزی، بی‌تا، ص ۲۴۲). بنابراین ایشان در زمره افراد صحیح برشمرده شده است. (عباسی زنجان، ۱۴۳۹، ج ۱۲، ص ۴۴۱) در همین خصوص روایتی از امام صادق علیه السلام پیرامون ذکر وقایع شهادت حضرت زهرا علیها السلام وجود دارد: «هنگامی که وفات حضرت فاطمه علیها السلام نزدیک شد، به دنبال ام‌ایمن فرستاد؛ زیرا او نزد آن حضرت، از همه زنان موثق‌تر بود» (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۸۵). این حدیث، دارای سندی صحیح بدین شرح است: علی بن احمد بن محمد

دقاق از اساتید شیخ صدوق (۳۸۱ق) که بسیار بر او ترضی نموده و این امر از اسباب توثیق شمرده شده است (اعرجی کاظمی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۱۳۴). احمد بن محمد بن یحیی عطار (۳۵۶ق) از مشایخ اجازه (طوسی، ۱۳۷۳، ص ۴۱۰) و مورد وثوق (مازندرانی حائری، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۸۵)، عمرو بن ابی المقدام (۱۷۲ق) ثقه (مظاهری، ۱۴۲۸، ص ۲۷۶) و زیاد بن عبدالله که صدوق و ثبت (نمازی شاهرودی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۴۴۹) می باشند. بنابراین با توجه به مطالب بیان شده، مشخص گردید که امایمن در میان خاصه و عامه دارای وثاقت است.

۴. گونه شناسی راویان امایمن

پس از بیان شرح حال، وثاقت و فضایل امایمن، به بررسی راویان ایشان در روایات نقل شده به تفکیک اهل سنت و شیعه پرداخته و بدان اشاره خواهد شد.

۴.۱. راویان شیعی امایمن

ابتدا راویان امایمن در کتب شیعه بررسی می گردد:

ابوالاسود (۶۹ق)

نام وی ظالم بن عمرو بن سفیان، از بزرگان تابعی و مخضرمین (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵ الف، ج ۳، ص ۴۵۵) و صحابی امیر مؤمنان است. او نخستین شخصی است که علم نحو را پایه گذاری (عجلی، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۴۸۴) و مصحف را نقطه گذاری نمود (زرکلی، بی تا، ج ۳، ص ۲۳۶) و از ثقات به شمار می آید. (تمیمی بستی، ۱۳۹۳، ج ۵، ص ۱۷۸). وی در زمان رسول الله ﷺ اسلام آورد، همراه امیر مؤمنان در جنگ جمل جنگید و در زمان خلافت عبیدالله بن زیاد (۶۷ق) درگذشت. (مزی، ۱۴۱۳، ج ۳۳، ص ۳۷)

وی از بهترین یاران و شیعیان امیر مؤمنان ﷺ امام حسن ﷺ امام حسین ﷺ و امام سجاد ﷺ بود (نمازی شاهرودی، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۳۰۱). امیر مؤمنان ﷺ ولایت بصره را پس از ابن عباس به وی سپرد. سید شرف الدین (۱۳۷۷ق) در این رابطه می گوید: «علمای امامیه، وی را از بزرگان رجال شیعه و مخصوصان اهل بیت ﷺ بر شمرده اند». همچنین جاحظ

(۲۵۵ق) بیان می‌دارد: «ابوالأسود، مقدم در میان طبقات مردم بوده است. او در زمره تابعین، فقیهان، شاعران، محدثین، امیران و نحوین است» (حسینی جلالی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۱۰۱). بنابراین ایشان مورد وثوق میان فریقین به شمار می‌آید.

۴،۲. راویان اهل سنت

پس از بررسی وثاقت راویان ام‌ایمن در منابع شیعه، به بررسی احوال راویان در کتب اهل سنت پرداخته می‌شود:

۴،۲،۱. ابی‌یزید مدینی

نامی از وی در تاریخ ثبت نشده (ابن‌ابی‌حاتم رازی، ۱۲۷۱، ج ۹، ص ۴۵۸) است. یحیی بن معین (۲۳۳ق) وی را توثیق نموده و بخاری (۲۵۶ق) و نسائی (۳۰۳ق) از وی روایت نقل کرده‌اند. (مزی، ۱۴۱۳، ج ۳۴، ص ۴۰۹)

۴،۲،۲. نبیح بن عبدالله عنزی

ابوزرعه وی را توثیق نموده و عجل‌ی نیز او را کوفی، تابعی و ثقه می‌داند (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۴، ج ۱۰، ص ۳۷۲). همچنین ابن حبان وی را از ثقات برشمرده است. (تمیمی بستی، ۱۳۹۳، ج ۵، ص ۴۸۴)

۴،۲،۳. ایمن بن ام‌ایمن (۸ق)

راوی دیگر از ام‌ایمن، فرزند ایشان به نام ایمن بن عبید بن زید بن عمرو است (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۳۱۷). ایمن، از اسامه بزرگ‌تر بوده و در جنگ حنین به شهادت رسید (همان، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۳۴۶). وی در زمره ثقات به شمار می‌آید. (تمیمی بستی، ۱۳۹۳، ج ۴، ص ۴۷)

۴،۲،۴. ابن عباس (۶۸ق)

عبدالله بن عباس، پسرعموی رسول‌الله ﷺ و امام علی علیه السلام، بزرگ‌ترین فرزند عباس (۳۲ق) است که به سبب علم فراوان، به دریا و جبر امت لقب یافت. وی در شعب ابی‌طالب متولد شد و جبرئیل را نزد رسول‌الله ﷺ مشاهده نمود (ابن‌اثیر، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۹۴). ابن عباس، فقیه عصر، امام تفسیر (ذهبی، ۱۴۱۳ الف، ج ۳، ص ۳۳۱) و از جمله ثقات است (تمیمی بستی، ۱۳۹۳،

ج ۳، ص ۲۰۷). شیعه نیز برای ابن عباس، وجاهت و احترام قائل است؛ چنان‌که ابن طاووس (۶۶۴ق) در حق وی می‌گوید: «حال او در محبت و اخلاص به امیر مؤمنان علیه السلام، موالات، نصرت، دفاع از ایشان، شبهه‌ای بدان نیست و معارض با اخبار ذم است» (مدنی، ۱۳۹۷، ص ۱۰۱). شهید ثانی (۹۱۱ق) نیز در حاشیه خلاصه گوید: «پنج حدیث در طعن ابن عباس را کشی نقل نموده که تمامی آنها سندی ضعیف دارد». (امین، بی‌تا، ج ۸، ص ۵۶)

برای ابن عباس توسط رسول الله صلی الله علیه و آله فضایی نظیر خدایا به او «تأویل قرآن» (حاکم نیشابوری، بی‌تا، ج ۳، ص ۵۳۷) و «حکمت» را بیاموز (بخاری، ۱۴۰۱، ج ۴، ص ۲۱۷)، «او را در دین فقیه نما» (حاکم نیشابوری، بی‌تا، ج ۳، ص ۵۳۴) و «در او برکت قرار بده و از او برکت منتشر کن» (سیوطی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۶۸) نقل شده که تمامی این احادیث، صحیح است (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۹۳۵). او در پایان سال ۶۸ در طائف درگذشت و محمد بن حنفیه (۸۱ق) بر وی نماز گذارد و گفت: «امروز ربانی این امت درگذشت». برای این واقعه، سال ۶۹ و ۷۰ هجری را نیز نقل کرده‌اند. (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۲۴۴)

۴،۲،۵. جابر بن سمره (۷۴ق)

جابر بن سَمْرَةَ بن عمرو بن جُنادة، صحابی فرزند صحابی، در کوفه سکنی گزید و پس از سال هفتاد هجری درگذشت (همان، ۱۴۱۵ ب، ج ۱، ص ۱۵۲). وی از جمله ثقات است (تمیمی بستی، ۱۳۹۳، ج ۳، ص ۵۲) و بخاری و مسلم، ۱۴۶ روایت از وی نقل کرده‌اند. (زرکلی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۰۴)

۴،۲،۶. سعید بن مسیب (۹۴ق)

سعید بن مسیب بن حزن مخزومی، در سال چهارم خلافت عمر بن خطاب متولد گردید (ذهبی، ۱۴۰۹، ج ۶، ص ۳۷۶). وی یکی از فقیهان هفت‌گانه مدینه به شمار می‌آید و میان حدیث، فقه، زهد و ورع جمع نمود (زرکلی، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۰۲). او از عالمان ثابت‌قدم و فقیهی بزرگ از بزرگان تابعین است و بر صحیح بودن مراسلات وی اتفاق نظر وجود دارد. ابن مدینی (۲۳۴ق) درباره وی گوید: «در میان تابعین کسی را نمی‌شناسم که از وی در علم وسیع‌تر باشد» (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵ ب، ج ۱، ص ۲۶۴) عجللی (۲۶۱ق) وی را شخصی صالح و فقیه معرفی کرده و ابوزرعه (۲۶۴ق) نیز او را مورد وثوق و امام دانسته است. (همان، ج ۴، ص ۷۶)

شیعیان نیز سعید بن مسیب را پرورش یافته توسط امیر مؤمنان علیه السلام (حلی، ۱۳۴۲، ص ۱۷۱) و «محدث، فقیه، عارف به احکام حلال و حرام و فقیه ترین تابعین» برشمرده اند (امینی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۲۵۱). احادیثی نیز در فضیلت سعید بن مسیب نقل شده است که در نخستین آن، امام صادق علیه السلام فرمود: «سعید بن مسیب، قاسم بن محمد بن ابی بکر و ابو خالد کابلی از ثقات امام سجاد علیه السلام هستند» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۴۷۲). همچنین امام کاظم علیه السلام فرمودند: هنگامی که روز قیامت شود، منادی ندا دهد: «حواریون علی بن الحسین کجایند؟ (دراین حال) جبیر بن معظم، یحیی بن ام طویل، ابو خالد کابلی و سعید بن مسیب برمی خیزند» (مفید، ۱۴۱۳، ص ۶۱). امام سجاد علیه السلام در ارتباط با وی فرمودند: «آگاه ترین مردم به آثار گذشتگان است و از لحاظ فهم و درک مسائل، از همه قوی تر است» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۱۷۶ و ابن سعد، بی تا، ج ۲، ص ۳۸۱).

۴،۲،۷. علی بن الحسین (۹۵ق)

راوی دیگر در منابع اهل سنت، امام سجاد علیه السلام است. هرچند مقام و منزلت ایشان، اجل از بیان توثیقات است، اما به دلیل روش تحقیق، به مکانت علمی امام در بیان اندیشمندان اهل سنت پرداخته می شود. ابن سعد (۲۳۰ق) درباره امام سجاد علیه السلام گوید: «مردی ثقه، امین، کثیرالحديث، رفیع و پرهیزکار بود» (ابن سعد، بی تا، ج ۵، ص ۲۲۲). ابن حجر عسقلانی نیز می گوید: «ثقه، ثبت، عابد، فقیه، فاضل و مشهور بود». ابن عیینه (۱۹۸ق) از زهری (۱۲۴ق) نقل کرده است: «من در میان قریش، کسی را افضل از او ندیدم» (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۶۹۲). همچنین در شرح حال ایشان آمده است: «علی بن الحسین به خاطر شرافت، سیادت، علم، خداترسی، خداشناسی و کمال عقل، برای امامت عظمای امت اسلامی اهلیت داشت». (ذهبی، ۱۴۱۳ الف، ج ۴، ص ۳۹۸).

۴،۲،۸. حنس بن عبدالله صنعانی (۱۰۰ق)

حنس بن عبدالله بن عمرو بن حنظله، ثقه (عجلی، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۳۲۶)، محدث، تابعی بزرگ و از یاران امیر مؤمنان علیه السلام (ابن عمیره، ۱۹۶۷، ج ۱، ص ۲۷۹) است. وی از آن حضرت کسب فیض نمود و پس از شهادت امیر مؤمنان علیه السلام به مصر رفت و در آنجا سکنی گزید (امینی، ۱۴۱۲،

ص ۱۷۵ و صفدی، ۱۴۲۰، ج ۱۳، ص ۱۲۵). وی در جنگ مغرب، همراه با رویفع بن ثابت، و در اندلس با موسی بن نصیر (۹۷ق) شرکت داشت و اولین کسی بود که در آفریقا ولایت یافت. او مسجد جامع قرطبه و سرقسطه را بنا نمود و در سرقسطه نیز درگذشت (زرکلی، بی تا، ج ۲، ص ۲۸۶). وی در آندلس، شخصیتی تأثیرگذار بوده که موجب اسلام آوردن قبیله عشور افریقیه و گسترش تشیع در آندلس گردید. (ابن فرضی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۲۵۰)

۴،۲،۹. مکحول (۱۱۲ق)

مکحول بن ابی مسلم، از راویان صحاح سته، فقیه شام و شیخ شهر دمشق است. ابوحاتم (۳۲۲ق) درباره وی گوید: «در شام، فقیه تر از مکحول نمی شناسم». احمد عجلی (۲۶۱ق) نیز می گوید: «مکحول، ثقه دمشقی است». زهری درباره وی گوید: «در زمان او، آگاه تر به فتاوا وجود نداشت». (زرکلی، بی تا، ج ۷، ص ۲۸۴)

۴،۲،۱۰. ولید بن عبدالرحمن (۱۲۰ق)

ولید بن عبدالرحمن الجرمی الحمصی مولی آل ابی سفیان (ابن ابی حاتم رازی، ۱۲۷۱، ج ۹، ص ۹)، ثقه و از راویان صحاح سته است (ذهبی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۳۵۲). یحیی بن معین (۲۳۳ق)، ابوحاتم و ابن خراش وی را توثیق نموده اند. (مزی، ۱۴۱۳، ج ۳۱، ص ۴۳)

۴،۲،۱۱. سعید بن عبدالعزیز (۱۶۷ق)

سعید بن عبدالعزیز التنوخی الدمشقی، فقیه اهل شام در زمان اوزاعی و پس از وی است. وی حدیثی را مکتوب نمی کرد؛ بلکه آنها را حفظ می نمود (ذهبی، بی تا، ج ۱، ص ۲۱۹). احمد بن حنبل (۲۴۱ق) گوید: «در شام، حدیثی صحیح تر از او و اوزاعی نیست و هر دو نزد من یکسان هستند». نسائی درباره وی گوید: «مورد وثوق و ثابت قدم است». همچنین ابن سعد، یحیی ابن معین، ابوحاتم و عجلی وی را توثیق نموده اند (خطیب تبریزی، بی تا، ص ۱۹۷) و ابن حبان وی را از ثقات، عابدان، فقیهان و متقین در روایت شهر شام برشمرده است. (تمیمی بستی، ۱۳۹۳، ج ۶، ص ۳۶۹). وی در سال ۹۰ق در زمان سهل بن سعد و انس بن مالک به دنیا آمد (ذهبی، ۱۴۱۳، ج ۸، ص ۳۸) و در سال ۱۶۷ در سن هفتاد و چند سالگی درگذشت (زرکلی، بی تا، ج ۳، ص ۹۷). بنابراین مشخص گردید که راویان طبقه نخست ام ایمن، افراد مورد وثوق میان شیعه و سنی می باشند.

۵. گونه‌شناسی روایات ام‌ایمن

پس از بررسی شرح حال و راویان، به بررسی روایات نقل شده از ام‌ایمن در منابع اهل سنت و شیعه می‌پردازیم. به سبب تنوع موضوعات نقل شده از ایشان، روایات بر اساس موضوع تقسیم‌بندی و نقل می‌گردد:

۵.۱. روایات فقهی

عموماً اولین موضوع در گونه‌شناسی روایات یک راوی، بررسی احادیث فقهی آن راوی است. به سبب درک شخصیت حدیثی ام‌ایمن، راویان احادیث وی جمع‌آوری شده و جز نخستین راوی پس از ایشان، طبقات بعدی اسناد، حذف شده است. در ادامه، در بحث پیرامون اعتبارسنجی روایات وی، به بررسی اعتبار اسناد پرداخته می‌شود.

۵.۱.۱. روایت طهارت بول پیامبر ﷺ

«وَلَيْدِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ از ام‌ایمن نقل نموده است: «رسول خدا ﷺ کوزه‌ای داشته که در آن بول می‌کرد و هنگام صبح به من دستور می‌داد که محتویات آن را دور بریزم. شبی از خواب بیدار شدم و تشنه بودم؛ پس تمام آنچه در کوزه بود را نوشیدم. رسول خدا ﷺ صبح به من دستور داد که محتویات کوزه را دور بریزم. گفتم: ای پیامبر خدا! من دیشب بیدار شدم، تشنه بودم و آنچه در کوزه بود را نوشیدم. فرمود: از امروز به بعد هیچ‌گاه از درد شکم شکایت نخواهی کرد» (ابن کثیر، ۱۳۹۵، ج ۴، ص ۶۴۳). حدیث دارای سندی متصل و مسند است، ولی به سبب مجهول بودن حسن بن حرب، جزء روایت ضعیف به شمار می‌آید (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۲۰، ج ۱۵، ص ۵۸۱). همچنین سند دیگری نیز برای این روایت نقل شده است (ابن کثیر، ۱۴۰۸، ج ۵، ص ۳۴۷) که راوی آن حسین بن حریش از طبقه دهم (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۲۱۴) و یعلی بن عطیه از طبقه چهارم‌اند (همان، ج ۲، ص ۳۴۱) که نمی‌توانند بدون واسطه، روایت را نقل نمایند و لذا حدیث، دارای انقطاع است.

مشابه روایت گذشته، با تفاوتی در سند و متن از نبیح عنزی نیز نقل شده است (حاکم نیشابوری، بی‌تا، ج ۴، ص ۶۴). روایت مسند است، اما به سبب تضعیف ابومالک نخعی و انقطاع میان ام‌ایمن

و نبیح عنزی، روایت در شمار حدیث ضعیف قرار می‌گیرد. (شافعی مصری، ۱۴۲۵، ج ۱، ص ۴۸۳) بنابراین دو روایت، داری سندی ضعیف است که بدان تصریح شده است (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۴۶). آنچه دو روایت مذکور بدان اشاره دارد، طهارت بول و غائط رسول الله ﷺ است که مستند و مورد استناد نظر اندیشمندان اهل سنت قرار گرفته است (غزالی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۵۲) و ادله بسیاری برای این خصیصه رسول الله ﷺ وجود دارد. (ابن حجر عسقلانی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۳۷) در منابع اهل سنت، دیدگاه‌های متفاوتی در خصوص روایات تطهیر بول و غائط پیامبر ﷺ وجود دارد؛ از جمله:

الف) تصریح برخی از بزرگان اهل سنت بر پاك بودن فضولات رسول خدا ﷺ: تعدادی از بزرگان اهل سنت، علاوه بر نقل روایات فوق تصریح کرده‌اند که همه فضولات رسول خدا ﷺ پاك هستند و حتی برخی گفته‌اند که خوردن بول آن حضرت، سبب شفا از بیماری‌ها می‌شود؛ از جمله: ابن حجر عسقلانی (ابن حجر عسقلانی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۶۸)، ابن حجر هیتمی (هیتمی سعدی انصاری، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۱۷)، أبوحامد غزالی (غزالی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۵۱-۱۵۲)، ملا علی هروی قاری (هروی القاری، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۱۶۰)، صالحی شامی (صالحی شامی، ۱۴۱۴، ج ۱۰، ص ۴۵۵-۴۵۶) و برهان الدین الحلبي. (الحلبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۳۲)

ب) دیدگاه دوم، دیدگاه ناقدان احادیث طهارت شرب بول پیامبر ﷺ است. این گروه، برخلاف دیدگاه نخست معتقدند که به دلیل ضعف سندی (وجود شخصی به اسم ابومالک نخعی و نیز انقطاع میان ام‌ایمن و نبیح عنزی) و نیز اضطراب در متن و اختلاف در روایات شرب بول پیامبر ﷺ که غیر قابل جمع است، روایت باطل است (حاکم نیشابوری، بی‌تا، ج ۴، ص ۶۴ و شافعی مصری، ۱۴۲۵، ج ۱، ص ۴۸۳)، این گروه، دلایل دیگری در رد متنی روایت مذکور اظهار نمی‌نمایند.^۱

۱. در خصوص تطهیر و یا توصیه به تطهیر بول ائمه اطهار ﷺ در منابع شیعه نیز دیدگاه‌هایی وجود دارد؛ از جمله: الف) کسانی که قائل به پاک بودن خون و بول و غائط اهل بیت ﷺ هستند: این گروه، بیشترین بهره برای این دیدگاه را از آیه تطهیر اخذ نموده و با طرح مواردی همچون: افاده حصر برای پاکي اهل بیت ﷺ، اراده تکوینی بر پاکي اهل بیت ﷺ، اراده الهی بر پاکي اهل بیت ﷺ، دلالت فعل مضارع دلالتی بر پاکي همیشگی اهل بیت ﷺ، تطهیر یعنی خلوص از همه انواع رجس‌ها و اذهاب رجس، یعنی از اول رجس وجود نداشته است، معتقدند که خون، بول و غائط اهل بیت ﷺ پاک است. مطابق این دیدگاه، ائمه اطهار ﷺ همانند سایر مخلوقین، ولی تکامل یافته بوده‌اند و آنچه در مورد آنان ذکر گردیده، خصائص مختصه می‌باشند که خداوند متعال به مقتضای اراده تکوینی در آیه تطهیر به آنان عطا نموده است (ثعالبی، ۱۴۱۸، ج ۴، ص ۳۴۶)؛ همان گونه که عایشه به رسول الله ﷺ گوید: شما که به بیت‌الخلاء می‌روید و بیرون می‌آیید من بی‌درنگ به آنجا می‌روم، ولی چیزی جز بوی

فارغ از صحت یا ضعف سندی روایت مذکور، از نظر متنی می‌توان این نقد را مطرح نمود که در مفاد این احادیث (شرب بول پیامبر)، این معنا اراده نشده که پیامبر ﷺ، مردم را به خوردن (نجاسات) سفارش و دعوت نموده و حتی وعده پاداش داده باشند. همچنین تبرک به ادرار یا مدفوع رسول الله ﷺ نیز امری مرسوم نبوده است؛ زیرا اگر چنین می‌بود می‌بایست صحابه در تبرک بدان حریص می‌بودند. این در حالی است که گزاره‌ای مبنی بر حریص بودن بدین امر وجود ندارد؛ در صورتی که نصوصی دال بر رقابت برای تبرک به آب دهان و موی حضرت وجود دارد. همچنین چرا پس از دریافت مژده برای رفع تشنگی، این عمل توسط دیگر صحابه تکرار نگردید و آنها چنین تبرکی ننمودند؟ بنابراین وجود روایت دال بر نوشیدن بول، به معنای تبرک بدان نبوده و اعتقادی بر این باور وجود ندارد.

۵.۱.۲. روایات حد سرق

روایت دیگر فقهی، مربوط به حد سرق است. ایمن بن أم ایمن می‌گوید: «در زمان رسول الله ﷺ، برای سرق، دستی قطع نمی‌شد مگر به قیمت و ارزش سپر که در آن روز (یک) دینار بود» (ابن حجر عسقلانی، بی‌تا، ج ۱۲، ص ۹۱). این حدیث به صورت مسند و صحیح نقل شده است. (اتیوبی، ۱۴۲۴، ج ۳۷، ص ۷۳)

مشابه این روایت را ایمن بن أم ایمن از رسول الله ﷺ نقل نموده که فرمود: «دست سارق را جز در حجه (نوعی سلاح و سپر) قطع نمی‌کنند (که) در روزگار ایشان (برابر با یک) دینار یا

→ مشک نمی‌یابم؟! فرمود: ما گروه پیامبران، بدن‌های ما بر نسیم‌های بهشتی می‌روید و خوشبوست؛ از این رو چیزی از آن خارج

نمی‌شود مگر آنکه زمین آن را در خود فرو می‌برد. (کوفی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۱۰۷)

ب) کسانی که قائل به پاک بودن خون و بول و غائط اهل بیت ﷺ نیستند: این عده با توجه به دلایلی همچون: عدم دلیل قرآنی بر پاک بودن بول و خون و غائط، عدم اثبات پاکی بول و خون و غائط از آیه تطهیر، آیه تطهیر در مقام بیان طهارت معنوی و حالات عرفانی است نه حالت جسمی و بشری، عدم وجود هیچ روایتی دال بر پاک بودن بول و خون و غائط، عدم دلیل قطعی به پاکی بول و ... دلایل قرآنی دال بر بشر بودن و مثل دیگر افراد بودن معصومین ﷺ، تصریح حرمت خون در قرآن کریم، تصریح عمومات قرآنی بر نجس بودن بول و غائط و خون، وجود دلایل روایی بر حرمت نجس بودن بول و غائط و خون، پاسخ بزرگان و مراجع نظیر مرحوم آیت الله العظمی میرزا جواد تبریزی و نیز نقد سندی و متنی احادیث دال بر پاک بودن خون، مدفوع و ادرار معصوم؛ بر این باورند که کمال یک فرد و بودن او در بالاترین درجه عصمت، با جاری بودن احکام بر او، منافاتی ندارد؛ زیرا دلیلی بر خارج بودن معصوم از احکام انسانی که در قرآن و سنت بیان شده، نداشته است. همچنین اعتقاد به پاک بودن خون و بول و غائط امام، نه جزو اصول اعتقادی است و نه جزو ضروریات مذهب. پس بهتر است در مورد پاک یا نجس بودن خون و بول و غائط امامان سخن گفته نشود.

ده درهم بود» (طبرانی، بی تا، ج ۲۵، ص ۸۸). سند حدیث، مسند و متصل است و به سبب تضعیف یحیی الحمانی، روایت ضعیف برشمرده شده است (هیثمی، ۱۴۰۸، ج ۶، ص ۲۷۴)؛ در صورتی که یحیی بن معین، وی را توثیق کرده است (جرجانی، ۱۴۰۵، ج ۵، ص ۳۲۱). بنابراین روایت دارای سندی صحیح می شود.

۵.۱.۳. روایات احکام زنان

روایت فقهی دیگر، مربوط به عادات زنانه است. ابی یزید مدنی از ام ایمن نقل نموده که رسول خدا ﷺ فرمودند: خمره سجده [سجاده حصیری] را بده. گفتم که من عذر زنانه دارم. رسول الله ﷺ فرمود: عذر تو به دست مربوط نمی شود» (مروزی، ۱۴۱۲، ج ۵، ص ۱۵۴). در میان راویان حدیث، شخصی به نام ابونعیم وجود دارد که اگر مقصود، ضِرَارُ بَنِ صُرْد باشد که بخاری او را متروک الحدیث و یحیی بن معین، کذاب می دانند (ذهبی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۳۲۷) و اگر منظور فَضْلُ بَنِ دُکَّین باشد که ثقه، ثبت و از رجال صحیح بخاری است (همان، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۱۱). بقیه راویان نیز ثقه می باشند (هیثمی، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۲۸). مشابه روایت مذکور نیز از عایشه (ق ۵۸) نقل شده است (نیشابوری، بی تا، ج ۱، ص ۱۶۹). روایت دیگر نیز به جای «الخمره»، «الثوب» آمده است (همان). منطوق حدیث، دال بر جواز داخل شدن به مسجد برای حاجت است به شرط آنکه بر جسم، نجاستی وجود نداشته باشد. (شوکانی، ۱۹۷۳، ج ۱، ص ۲۷۶)

۵.۱.۴. روایات موضوع نماز

روایت دیگر فقهی، سفارش به نماز است. مکحول از ام ایمن نقل نموده که رسول الله ﷺ فرمود: «نماز را عمداً ترک نکنید؛ زیرا کسی که آن را عمداً ترک نماید از قلمرو خدا و رسول او بیرون می رود» (ابن حنبل، بی تا، ج ۶، ص ۴۲۱). روایت دارای سندی صحیح است (هیثمی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۲۹۵)، ولی به سبب انقطاع میان ام ایمن و مکحول، سند مرسل می گردد.

۵.۲. روایات فضایل

روایات فضایل نقل شده از ایشان در ارتباط با رسول الله ﷺ، امیر مؤمنان علی (ع)، حضرت زهرا (ع) و حسنین (ع) است که بدان اشاره می گردد.

۵,۲,۱. فضیلت رسول الله ﷺ

روایتی به صورت مرسل در فضیلت پیامبر اکرم ﷺ از ام ایمن نقل شده است: «روزی دو مرد از یهودیان مدینه هنگام نیمه روز نزد من آمده و گفتند: احمد را پیش ما بیاور. من آن حضرت را به نزد آنها بردم. آن دو یهودی دقیقاً او را زیر نظر گرفته و پشت و روی بدن آن حضرت را بررسی نمودند. سپس یکی از آنها به دیگری گفت: این پیامبر این امت و این شهر هم هجرتگاه اوست و در آینده، در این شهر از کشتار و اسارت، داستان بزرگی اتفاق می افتد» (حلی، ۱۴۰۸، ص ۱۲۷). بیان واقعه، مؤیدی بر آیه قرآن است که شناخت رسول الله ﷺ توسط اهل کتاب را چنین بیان نموده است: ﴿الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ﴾ (بقره: ۱۴۶)؛ زیرا خداوند عزوجل در تورات و انجیل و زبور، آیاتی را در توصیف حضرت محمد ﷺ، اصحاب ایشان، هجرت و بعثت، بر آنان نازل نموده است. (قمی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۳۳)

۵,۲,۲. فضیلت امیر مؤمنان علی علیه السلام

از ام ایمن روایاتی در فضایل امیر مؤمنان علی علیه السلام نیز نقل شده است که ذیلاً به برخی از آنها اشاره می گردد:

سعید بن مسیب از ام ایمن نقل نموده که رسول خدا ﷺ دخترش فاطمه علیها السلام را به عقد علی علیه السلام درآورد و به ایشان فرمود که نزد فاطمه علیها السلام نرود تا آن حضرت بیاید. رسول خدا ﷺ آمد، پشت درب ایستاد، سلام گفت و اجازه ورود خواست. گفتند: بفرمایید! پیامبر فرمود: آیا برادرم آنجاست؟ ام ایمن گفت: پدر و مادرم فدایت ای رسول خدا! برادران کیست؟ فرمود: علی بن ابی طالب. ام ایمن گفت: چگونه برادران را به ازدواج دخترتان درآوردید؟..... حضرت فرمود: همین طور است ای ام ایمن! (ابن سعد، بی تا، ج ۸، ص ۲۴). حدیث، مسند و صحیح است. (حاکم نیشابوری، بی تا، ج ۳، ص ۱۵۷)

مشابه روایت پیشین به صورت مرسل چنین نقل شده است: ام ایمن گوید رسول الله ﷺ به من فرمود: برادرم را فرا بخوان. گفتم: برادرت کیست ای رسول الله؟ فرمود: علی. گفتم: برادرت است و دخترت را به او داده ای؟ فرمود: بله به خدا سوگند، به ازدواج کفوی شریف در دنیا و آخرت درآوردم (ابن مردویه اصفهانی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۱۰۱). نویسنده، سندی برای حدیث

نقل نکرده است، اما سند حدیث در کتاب «مسند أحمد» (ابن حنبل، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۷۶۲)، مسند و صحیح (صَلَّابِی، ۱۴۲۵، ج ۱، ص ۴۹) نقل شده است. دو روایت مذکور، به فضیلت اخوت و برادری امیر مؤمنان (ع) با رسول الله (ص) اشاره دارد که مطلبی مسلم میان عامّه و خاصّه است و در موارد متعدد، فرمایشی نظیر «تو در دنیا و آخرت برادر من هستی» (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۱۰۹۹) از رسول الله (ص) صادر شده است.

۵،۲،۳. فضیلت حضرت زهرا (ع)

از ام ایمن روایاتی نیز در فضیلت حضرت زهرا (ع) نقل شده است که بیان می‌گردد. او گوید: «در تابستان که هوا بسیار گرم بود به خانه مولایم فاطمه (ع) رفتم تا ایشان را زیارت نمایم. به درب منزل حضرت زهرا (ع) که رسیدم دیدم که درب خانه بسته است، اما از شکاف درب، درون خانه دیده می‌شد. پس دیدم که حضرت زهرا (ع) کنار آسیاب به خواب رفته است، اما آسیاب، بدون اینکه کسی آن را بگرداند، می‌چرخد. همچنین دیدم گهواره‌ای که حسین درون آن خوابیده است تکان می‌خورد و کسی را ندیدم که آن را تکان دهد و نیز کف دستی را دیدم که کنار دست فاطمه (ع) مشغول گفتن تسبیح است. از این امر متعجب شدم و به سوی رسول الله (ص) رفتم و شرح ماوقع نمودم. پیامبر اکرم (ص) فرمود: ای ام ایمن! بدان که فاطمه (ع) روزه است و به دلیل گرمای زیاد هوا، از کارهای خانه به زحمت افتاده است. پس خداوند، خواب را بر فاطمه (ع) غلبه نمود و سپس ملکی را عهده‌دار آسیاب کردن، فرشته دیگری برای تکان دادن گهواره حسین (ع) تا اینکه فاطمه (ع) بیدار نشود و ملکی را فرستاد تا نزدیک دست فاطمه (ع) تسبیح گوید و ثواب تسبیح را برای حضرت فاطمه (ع) قرار دهد؛ زیرا که دخترم فاطمه دائماً ذکر خدا می‌گوید. پس هنگامی که فاطمه (ع) به خواب می‌رود، خداوند ثواب تسبیح آن ملک را برای فاطمه (ع) قرار می‌دهد. ام ایمن گوید از اسامی آن فرشتگان سؤال نمودم که پیامبر اکرم (ص) تسبی می‌نموده و فرمودند: ملکی که آسیاب می‌کرد جبرئیل بود و آن ملکی که گهواره را تکان می‌داد میکائیل و ملکی که تسبیح می‌گفت اسرافیل بود» (طریحی، بی‌تا، ص ۲۴۰-۲۴۱). روایت به سبب آن که سندی برای آن ذکر نشده، مرسل است. روایت دیگری در این موضوع توسط ایشان نقل شده است: «رسول الله (ص) مرا در حال

گریه مشاهده نمود و فرمود: ای ام ایمن! چرا گریه می کنی؟ گفتم: ای رسول الله! در ازدواج جوانی از انصار شرکت کردم و شکر و بادام مصری آوردند و میان حاضران پخش نمودند؛ آنگاه ازدواج فاطمه (علیها السلام) را به یاد آوردم که اثری از آن نبود. رسول الله (صلی الله علیه و آله) فرمود: تو را از ازدواج فاطمه باخبر می سازم. همانا خداوند جبرئیل و میکائیل را مبعوث نمود و بر دو کرسی از نور در زیر عرش نشستند (و) ملائکه مقرب و حورالعین در صفوفی حضور داشتند. (خداوند) به شجره طوبی وحی نمود تا بر آنان یاقوت سرخ، زمرد سبز، لولو سفید، مرجان، مشک معطر، کافور سفید و زعفران پراکنده نماید. هرکدام از ملائکه بر سایر فرشتگان افتخار می کرد. جبرئیل و میکائیل در آسمان نکاح فاطمه را بر عهده گرفتند که جبرئیل، وکیل از علی و میکائیل، وکیل از فاطمه بود. ازدواج فاطمه در زمین به وقوع نپیوست، مگر آنکه در آسمان صورت گرفت» (ابن حیون، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۶۶). این حدیث نیز به سبب عدم نقل سند، مرسل به حساب می آید. خادمی نمودن جبرئیل، میکائیل و اسرافیل، موضوعی است که در میان عامه و خاصه بدان اشاره و از قطعیات برشمرده شده است.

ابوذر غفاری (۳۲ق) حدیثی از رسول الله (صلی الله علیه و آله) نقل نموده که میکائیل با جبرئیل مفاخره نمودند و پس از اینکه به نتیجه نرسیدند، قضاوت را به خدا واگذار کردند. خداوند متعال از خلقت فردی بالاتر از آنان خبر داد (و او را) بر ساق راست عرش به آنان نشان داد. در آن هنگام جبرئیل عرضه داشت: «پروردگارا! همانا از تو می خواهیم به حق اینها که مرا خادمشان قرار دهی. خداوند متعال فرمود: انجام دادم. پس جبرئیل از اهل بیت است و او خادم ماست» (دبلمی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۴۰۴). در نقلی دیگر، ادامه روایت، چنین بیان شده است: «در این هنگام، جبرئیل بر تمام ملائکه فخر ورزید و گفت: چه کسی مقامش مثل من است و حال اینکه من خادم آل محمد هستم. پس دیگر هیچ ملکی نتوانست بر جبرئیل فخر بورزد» (طریحی، بی تا، ص ۲۸۵). همچنین در روایتی دیگر، امام حسن (علیه السلام) پس از شهادت امیر مؤمنان (علیه السلام) فرمود: «رسول الله (صلی الله علیه و آله) پرچم را به دست او داد؛ درحالی که جبرئیل از طرف راست و میکائیل از طرف چپ، آن حضرت را همراهی می کردند» (ابن حنبل، بی تا، ج ۱، ص ۱۹۹). این روایت، صحیح شمرده شده است. (البانی، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۶۰)

۵.۲.۴. فضیلت حسنین علیهما السلام

علاوه بر فضایل ذکرشده، از ام ایمن فضیلتی در حق امام حسن علیه السلام و امام حسین علیهما السلام نیز روایت شده است. جابر بن سمرة از ام ایمن نقل نموده که فاطمه علیها السلام با دو فرزندش نزد پیامبر آمده و عرضه داشت: «ای رسول خدا! به دو فرزندم چیزی عطا فرما». رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: به این فرزند بزرگ، بزرگی و حلم و به دیگری محبت و رضایت را بخشیدم» (متقی هندی، ۱۴۰۹، ج ۱۳، ص ۶۷۰). روایت به صورت مرسل ذکر شده است، اما نویسنده، آن را از کتاب الأمثال عسکری نقل نموده و با تفحص مشخص گردید راوی آن، ناصح المحلمی است که بخاری او را منکر الحدیث و نسائی ضعیف می داند (ذهبی، ۱۴۰۹، ج ۹، ص ۶۴۸). بنابراین، حدیث ضعیف است. هدیه و میراث رسول الله صلی الله علیه و آله به حسنین علیهما السلام در روایات دیگر نیز بدان اشاره شده است. به عنوان نمونه، «ابیه و آقایی من از آن حسن است، و شجاعت و بخشنده‌گی ام از آن حسین» (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۷۷) و «به حسن، هیبت و بردباری می بخشم و به حسین، جود و مهربانی» (همان) نقل شده است.

ذکر این نکته ضرورت دارد که عمده روایات منقول از ام ایمن، درخصوص فضایل اهل بیت علیهم السلام، از حیث سندی، سند متصلی نداشته و به صورت مرسل نقل شده است، اما به دلیل قاعده تسامح در احادیث فضایل که مورد اتفاق فریقین بوده (مناوی، ۱۴۱۵، ج ۶، ص ۵۱ و شهید اول، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۳۴)، با وجود مرسل بودن این احادیث، به مقتضای آنها نیز عمل می گردد. (عاملی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۳۴ و نووی، بی تا، ج ۵، ص ۴۳)

۵.۳. روایات تاریخی

گونه دیگر روایت نقل شده از ام ایمن، احادیث تاریخی است که بدان اشاره می گردد.

۵.۳.۱. دوران کودکی رسول الله صلی الله علیه و آله

ام ایمن از دوران کودکی رسول الله صلی الله علیه و آله گزارش هایی بیان کرده است. روایت مرسل از ایشان چنین نقل شده است: «از رسول الله صلی الله علیه و آله سرپرستی می کردم و روزی از ایشان غافل شدم و وی را در منزل عبدالمطلب یافتم. ایشان بالای سر من فرمود: ای برکه! گفتم: لبیک. پرسید: آیا

می دانی فرزندم را کجا یافتیم؟ گفتم: نمی دانم. گفتند: او را همراه غلامان، نزدیک سدر دیدم. از فرزندم غافل نشو؛ زیرا اهل کتاب گمان دارند که پیامبر این امت است و من نسبت به او از طرف آنان ایمن نیستم». (صالحی شامی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۱۳۰)

ابن عباس به نقل از ام ایمن گوید: «در منطقه بُوانه بتی بود که قریش در نزد آن حاضر بودند و آن را تعظیم می کردند، نزد آن موی خویش را می تراشیدند و روزی را تا شب به اعتکاف می پرداختند. ابوطالب نیز با قوم خویش در آنجا حاضر می شدند. در این ارتباط نیز با رسول الله ﷺ صحبت کردند تا در این عید حاضر شوند، اما رسول الله ﷺ ابا نمودند و ابوطالب غضب ایشان را مشاهده کرد» (ابن سعد، بی تا، ج ۱، ص ۱۵۸). بُوان، فلاتی پشت ینبُع است (حموی، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۵۰۵). راوی حدیث، ابوبکر بن عبدالله بن ابی سبره، جعل کننده حدیث (ذهبی، ۱۴۱۳ الف، ج ۷، ص ۳۳۱)، حسین بن عبدالله بن عبیدالله بن عباس که احمد بن حنبل، نسائی (البانی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۳۷۹) و بیشتر أصحاب حدیث او را تضعیف (بیهقی، بی تا، ج ۱۰، ص ۳۴۶) و متهم به زندیق بودن نموده اند (بخاری، بی تا، ج ۵، ص ۲۲۷). راوی دیگر، عکرمه است که هم عقیده با خوارج بود (مزّی، ۱۴۱۳، ج ۲۰، ص ۲۷۸)، احکام الهی را به سخره می گرفت (ذهبی، ۱۴۱۳ الف، ج ۵، ص ۲۱) و بر ابن عباس دروغ نسبت می داد؛ به گونه ای که علی بن عبدالله بن عباس او را بدین خاطر به درب سرویس بهداشتی بست (تمیمی بستی، ۱۳۹۳، ج ۵، ص ۲۳۰). علاوه بر ضعف سند، متن نیز دارای اشکال است؛ زیرا بت پرستی ابوطالب خلاف واقعیت است؛ چراکه در اشعار سروده شده توسط ابوطالب پیش از بعثت، به این امر اعتقاد داشت (ابن حجر عسقلانی، بی تا، ج ۲، ص ۴۱۲). به گونه ای که سفیان بن عیینه معتقد است «هرکس ابوطالب را دشمن بدارد، کافر است». (راغب اصفهانی، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۴۹۸)

روایتی مرسل از ام ایمن نقل شده است که ماجرای وفات حضرت عبدالمطلب را چنین نقل نموده است: «رسول الله ﷺ پشت تخت جنازه عبدالمطلب گریه می کرد، درحالی که هشت ساله بود. عبدالمطلب در حجّون، نزد جدش، قصی دفن شد». (حلبی، بی تا، ج ۱، ص ۱۸۴)

۵، ۳، ۲. پس از بعثت رسول الله ﷺ

بخشی از تاریخ نقل شده توسط ام ایمن، مربوط به زندگانی رسول الله ﷺ پس از بعثت

است. حنش بن عبدالله صنعانی از امایمن نقل نموده که آرد را غربال نمودم و برای رسول الله ﷺ قرص نانی پختم. رسول الله ﷺ از آن سؤال نمودند و در پاسخ گفتم: غذایی است که در سرزمین ما پخته می شود و دوست داشتم از آن برای شما نان طبخ نمایم. رسول الله ﷺ فرمود: آن را در آرد بازگردان و مجدد خمیر کن» (ابن ماجه، بی تا، ج ۲، ص ۱۱۰۷). حدیث، مسند و دارای سندی حسن است (البانی، بی تا، ج ۷، ص ۳۳۶). امایمن با وجود مشاهده زیست رسول الله ﷺ از کودکی تا شهادت، حیات ایشان را چنین بیان می دارد: «رسول الله ﷺ را درباره شکایت از تشنگی و گرسنگی ندیده ام. هنگامی که صبح می شد، از آب زمزم می نوشید. گاهی نیز اتفاق می افتاد که غذا برای ایشان می بردیم، ولی ایشان می فرمودند که سیر هستم». (سیوطی، بی تا، ج ۱، ص ۱۴۱)

روایت دیگری از امام سجاد علیه السلام در شرح واقعه کربلا است که در آن ماجرا حضرت زینب علیها السلام به ایشان از قول امایمن حدیثی از رسول الله ﷺ را بیان نمودند. امام سجاد علیه السلام فرمود: «به قتلگاه ایشان چشم دوختم و ابدان طاهره ایشان را برهنه و عریان دیدم که روی خاك افتاده و دفن نشده اند. این معنا بر من گران آمد و در سینه ام اثرش را یافته و هنگامی که از ایشان چنین منظره ای را مشاهده کردم اضطراب و ناآرامی در من شدت یافت به حدی که نزدیک بود روح از کالبدم خارج شود. وقتی عمه ام این هیئت و حالت را از من مشاهده نمود فرمود: ... آنچه می بینی تو را به جزع نیاورد، به خدا سوگند! این عهد و پیمانی بوده که رسول خدا ﷺ با جدّ و پدر و عمومیت نمود.... پرسیدم: این چه عهد و میثاقی بوده و این چه حدیث و خبری است؟ حضرت زینب علیها السلام فرمود: امایمن برای من گفت: يك روز پیغمبر خدا ﷺ به منزل فاطمه زهرا علیها السلام رفت. فاطمه اطهر علیها السلام برای رسول الله ﷺ حریره درست می نمود و امیر مؤمنان علی علیه السلام نیز طبقی خرما آوردند، من نیز يك قدح شیر و کره برای آنان بردم. رسول الله ﷺ، امیر مؤمنان علی علیه السلام، حضرت فاطمه علیها السلام، امام حسن علی علیه السلام و امام حسین علی علیه السلام از آن حریره و شیر و کره و خرما تناول نمودند. سپس امیر مؤمنان علی علیه السلام آب به دست رسول خدا ﷺ ریخت و آن حضرت دست خود را شست و سپس به سجده رفتند و با صدای بلند گریستند. از علت امر سوال نمودیم که رسول الله ﷺ فرمود:

جبرئیل مرا باخبر نمود که آزمایش و ابتلائات بسیاری در دنیا و ناملایماتی به وسیله مردم و آنانی که از ملت و کیش تو می باشند و خود را از امت تو می پندارند، متوجه ایشان خواهد شد و گاهی ضربه های شدید و غیر قابل تحمل از ناحیه این گروه متوجه ایشان شده و زمانی با قتل و کشتار ایشان مواجه می گردند». سپس به بیان وقایع پس از خویش تا فاجعه کربلا اشاره نمودند و آن عهد مذکور، سفارش به صبر و شکیبایی است (ابن قولویه، ۱۳۵۶، ص ۲۶۲-۲۶۰). این روایت به سبب تصریح مؤلف نقل احادیث از ثقات که از مبانی توثیقات عام است (حسینی صدر، ۱۴۳۰، ص ۷۰) در زمره حدیث صحیح قرار می گیرد.

خالد بن محمد از خاندان زبیر می گوید: «با علی بن الحسین برای ملاقات ولید بن عبدالملک خارج شدیم که شخصی از حبشه به مسافران ما اضافه شد. علی بن الحسین فرمود: از ام ایمن شنیدم که رسول الله ﷺ فرمود: سیاهی مخصوص شکم و عورت اوست» (ابن ابی عاصم، ۱۴۱۱، ج ۶، ص ۳۶). این روایت را به سبب مجهول بودن خالد بن محمد تضعیف نموده و صحیح ندانسته اند (البانی، ۱۴۱۲، ج ۷، ص ۲۰۲). روایت دیگری از ابن عباس با همین مضمون نقل شده است (هیثمی، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۲۳۵). این روایت، متضمن ذم و نکوهش اهل سودان است که تنها هم آنان، شهوت بطن و فرج بیان شده است و به همین خاطر، این احادیث را کذب و دروغ برشمرده اند (ابن قیم جوزیه، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۰۱ و هروی القاری، بی تا، ص ۴۶۴). در خصوص عدم پذیرش روایت، می توان چنین گفت: نخست آنکه رسول الله ﷺ جوامع الکلم و فصیح می باشند و ممکن نیست چنین سخن پیچیده و سختی را فرموده باشند. دوم آنکه این سخن، مخالف آیه «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات: ۱۳) و حدیث نبوی «خداوند متعال، به چهره های شما نمی نگرند؛ بلکه به دل ها و کرده های شما می نگرد» (نیشابوری، بی تا، ج ۲، ص ۲۸۵) و نیز «هیچ عرب را بر عجم، و هیچ عجم را بر عرب و هیچ سفید را بر سیاه و هیچ سیاه را بر سفید برتری نیست مگر به تقوا» (ابن حنبل، بی تا، ج ۵، ص ۴۱۱) است. نکته دیگر آنکه در زمان رسول الله ﷺ افرادی نظیر مهجع بن صالح، نجاشی و بلال وجود داشتند که همگی سیاه پوست بودند، ولی مورد احترام و ستایش رسول الله ﷺ بودند.

۵،۳،۳. پس از شهادت رسول الله ﷺ

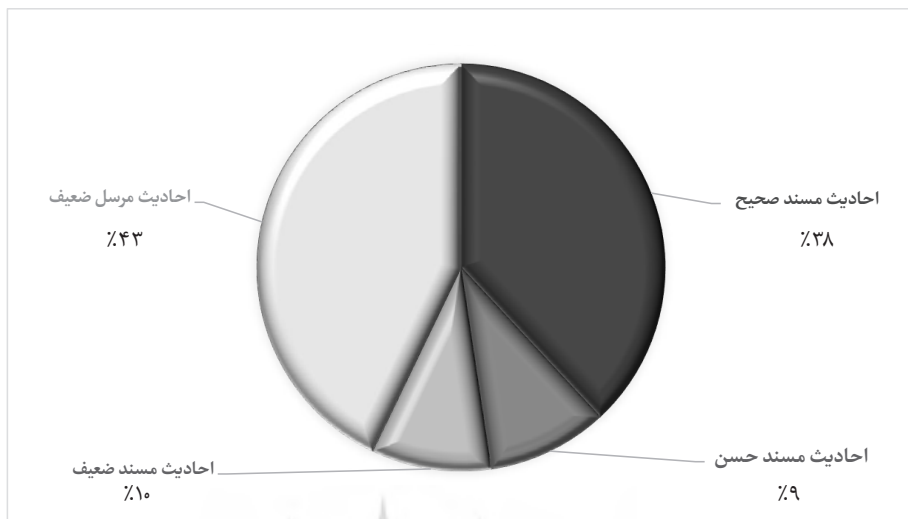
ام ایمن در بیان وقایع پس از شهادت رسول الله ﷺ و سقیفه بنی ساعده چنین می گوید: «ابوالاسود دوئلی به نقل از ام ایمن می گوید: در شبی که با ابوبکر بیعت شد، هاتفی که دیده نمی شد می گفت: تحقیقاً رحلت پیامبر موجب پریشانی و تزلزل اسلام گردید و همه مسلمین را به گریه درآورد. پریشانی تا آنجا بود که بسیاری به همراهی و همکاری با گمراهان متمایل شدند و آنها را بر مرد هدایت کننده و پسندیده و بلند مقام و گرامی، ترجیح دادند. آن مرد، علی است که وصی رسول خدا ﷺ و نخستین مسلمان و آگاه ترین مردم است. آنکه نماز خواند و زکات داد. برادر مصطفی محمد است، نه آنان که می خواهند با زور بر حضرت علی (ع) رهبری کنند؛ هرچند که برتری و تقدّم او را برای خلافت رسول الله ﷺ از وی ربودند». (شیرازی نجفی، ۱۴۱۸، ص ۷۲)

۵،۴. روایات اخلاقی

گونه دیگر روایات از ام ایمن، مربوط به اخلاق است که در ضمن وصایا و سفارش های رسول الله ﷺ در حیات مبارک ایشان، بدان اشاره نمودند. مکحول از ام ایمن بیان می دارد که رسول الله ﷺ فرمود: «چیزی را با خدا شریک مگیر، گرچه به آتش، سوخته و شکنجه شوی. امر پدر و مادر خود را اجرا کن، حتی اگر به تو امر به خارج شدن از همه چیز دادند خارج شو. نماز را به عمد ترک نکن؛ زیرا کسی که عمداً نماز را ترک کند از ذمه خدا خارج شده است. از نوشیدن شراب دوری کن؛ زیرا کلید همه شرها است» (بیهقی، بی تا، ج ۷، ص ۳۰۴). روایت مرسل است؛ زیرا انقطاعی میان مکحول و ام ایمن وجود دارد.

البته روایت دیگری با این مضمون، در کتاب دیگر به صورت مسند و سندی صحیح نقل شده است که نخستین راوی از ام ایمن، سعید بن عبدالعزیز است. (بیهقی، ۱۴۱۰، ج ۶، ص ۱۸۸)

کتاب	موضوع روایت	عبارت حدیث	راوی نخست	نقل شده از
السیره النبویه	فقهی	كَانَ لِرَسُولِ اللَّهِ فَخَّارَةٌ تَبُولُ فِيهَا	ولید بن عبد الرحمن	رسول الله
المستدرک علی الصحیحین		قَامَ اللَّيْلُ مِنَ اللَّيْلِ إِلَى فَخَّارَةٍ	نُبَیْحُ الْعَنْزِي	رسول الله
فتح الباری فی شرح صحیح البخاری		لم یقطع فی عهد رسول الله	ایمن بن ام ایمن	رسول الله
المعجم الکبیر		لا یقطع السارق الا فی حجة		رسول الله
مسند إسحاق ابن راهویه		تَأُولِيْنِي الْخُمْرَةَ مِنَ الْمَسْجِدِ	أَبِي یزید مدنی	رسول الله
مسند الإمام أحمد بن حنبل		لَا تَتْرُكِي الصَّلَاةَ مُتَعَمِّدًا	مکحول	رسول الله
العدد القویة لدفع المخاوف الیومیة	فضایل	أَتَانِي رَجُلَانِ مِنَ الْيَهُودِ	مرسل (حذف همه راویان)	-
الطبقات الکبری		زوج رسول الله ابنته فاطمة من علی بن أبی طالب	سعید بن مسیب	رسول الله
مناقب علی بن أبی طالب و ما نزل من القرآن فی علی		یا أم ایمن ادعی لی أخی	مرسل (حذف همه راویان)	رسول الله
المنتخب		مَصْنُوتٌ ذَاتُ یَوْمٍ إِلَى مَنْزِلٍ		رسول الله
شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار		رَأَى رَسُولَ اللَّهِ وَأَنَا أَبْکِی		رسول الله
کنز العمال		جاءت فاطمة بالحسن والحسين	جابر بن سمرة	رسول الله
السنن الکبری	اخلاقی	أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ أَوْصَى بَعْضَ أَهْلِ بَيْتِهِ	مکحول	رسول الله
سنن ابن ماجه	تاریخی	غَرِبْتُ دَقِيقًا فَصَنَعْتَهُ لِلنَّبِيِّ	حنس بن عبدالله	رسول الله
الأحاد والمثانی		إِنَّمَا الْأَسْوَدُ لِبَطْنِهِ وَقَرْجِهِ	علی بن الحسین	رسول الله
الطبقات الکبری		كَانَ بِبُؤَانَةٍ صَنَمٌ تَخْضُرُهُ قُرَيْشٌ	عبدالله بن عباس	-
سبل الهدی والرشاد		كُنْتُ أَخْضُرُ رَسُولَ اللَّهِ فَقَفَلْتُ عَنْهُ	حدیث مرسل	عبدالمطلب
السیره الحلبیة		أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ كَانَ يَبْكِي خَلْفَ سُرِيرِ عَبْدِ الْمَطْلَبِ	(حذف همه راویان)	-
کفاية الطالب اللبيب فی خصائص الحبيب		مَا رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ شَكَا جَوْعًا		رسول الله
الأربعین فی امامة الأئمة الطاهرين		سمعت فی الليلة التي بويع فيها أبوبكر	ابوالاسود دؤلی	-
کامل الزیارات		أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ زَارَ مَنْزِلَ فَاطِمَةَ فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ	حضرت زینب (ع)	رسول الله



نتیجه‌گیری

۱. بَرَكَةُ بَنْتِ ثَعْلَبَةَ بن عمرو بن حصن که در منابع شیعه و سنی، بیشتر با کنیه «ام‌ایمن» شناخته می‌شود، یکی از زنان صدر اسلام بوده که در طبقه صحابه است.
۲. با حذف مکررات روایی، ۲۱ حدیث از ام‌ایمن از سوی راویان مختلف در منابع روایی شیعه و اهل سنت صادر شده است. بر این اساس، این بانوی بزرگوار در زمره محدثات و راویان حدیث شناخته می‌شود.
۳. در منابع رجالی اهل سنت، ام‌ایمن در زمره ثقات محسوب شده و در منابع رجالی شیعه نیز به سبب شهادت دادن در ماجرای فدک، توثیق گردیده است. به جز منابع رجالی شیعه، بر اساس روایتی از امام صادق علیه السلام در خصوص ذکر وقایع شهادت حضرت زهرا علیها السلام، آشکارا توثیق شده است.
۴. مهم‌ترین راوی شیعی روایات ام‌ایمن، ابوالاسود دوئلی از بزرگان تابعی و مخضرمین و از یاران امیر مؤمنان علیه السلام است که وی نیز در منابع رجالی شیعه در زمره ثقات به شمار می‌آید.
۵. مهم‌ترین راویان طبقه نخست (نخستین راوی حدیثی ام‌ایمن) در روایات نقل شده اهل سنت از ایشان، ابی یزید مدینی، ثبیح، اَیْمَن بن ام‌ایمن، ابن عباس، جابر بن سمره، سعید بن مسیب، علی بن الحسین، حنش بن عبدالله صنعانی، مکحول بن ابی مسلم،

ولید بن عبدالرحمن و سعید بن عبدالعزیز می‌باشند که همگی این راویان، در منابع رجالی اهل سنت مورد توثیق واقع شده‌اند.

۶. احادیث نقل شده به وسیله ایشان، پس از حذف مکررات، از حیث گونه‌شناسی و نیز از نظر فراوانی بر اساس موضوعات ابواب جوامع حدیثی، به ترتیب به روایات تاریخی (۸ حدیث)، احادیث فضایل رسول الله ﷺ، امیر مؤمنان علیؑ، حضرت زهراؑ و حسنین علیؑ (۶ حدیث)، احادیث فقهی (۶ حدیث) و روایات اخلاقی (۱ حدیث) اختصاص دارد.
۷. زیادت‌ر بودن تعداد روایت‌های تاریخی ام‌ایمن نسبت به دیگر روایات وی، به سبب زندگی طولانی ام‌ایمن با رسول الله ﷺ بوده که باعث گردید بخشی از تاریخ زندگانی حضرت، توسط این بانوی محدث در کتب تاریخی و سیره نیز نقل شود.
۸. با بررسی سندی روایات ام‌ایمن مشخص می‌گردد ۴۳ درصد از احادیث وی مرسل بوده که از حیث درایة الحدیثی، در زمره احادیث ضعیف تلقی می‌شود. ۲۸ درصد از روایات وی نیز به صورت مسند و صحیح نقل شده و مابقی نیز احادیث مسند ضعیف یا حسن است.
۹. احادیث مرسل ام‌ایمن، از حیث موضوعی، بیشتر در زمره احادیث ذکر فضایل و نیز احادیث تاریخی وی است که همان‌ها نیز به سبب قاعده تسامح در ادله سنن، دارای حجیت و اعتبار است.
۱۰. با بررسی اجمالی محتوای روایات فضایل و تاریخی و حتی فقهی ام‌ایمن، می‌توان اذعان نمود که اولاً این بانوی محدث، با ذکر روایات نبوی ﷺ در شرایط تاریخی - اجتماعی پس از رحلت رسول الله ﷺ که هرگونه نقل و کتابت حدیث توسط خلفا منع شده بود، به دنبال بازگویی و احیای روایات رسول الله ﷺ بود. ثانیاً جنس روایت‌ها که غالباً در دفاع از اهل بیت علیهم السلام است (مانند احادیث دفاع از امیر مؤمنان علیؑ در قضیه سقیفه و شهادت دادن به نفع حضرت زهراؑ در قضیه فدک)، بیانگر تفکر هدایت‌گر وی بوده که تلاش داشت بدین وسیله با کمک گرفتن از نقل احادیث رسول الله ﷺ جامعه را به سمت اهل بیت علیهم السلام هدایت نماید.

فهرست منابع

قرآن کریم (۱۴۱۸ق)، ترجمه: محمد مهدی فولادوند، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.

منابع فارسی:

۱. ابن ابی حاتم رازی، ابی محمد عبدالرحمن (۱۲۷۱ق)، الجرح والتعديل، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۲. ابن ابی عاصم (۱۴۱۱ق)، الأحاد والمثانی، بی جا: دار الدریة.
۳. ابن اثیر، عزالدین ابی الحسن علی بن ابی الکرم (بی تا)، أسد الغابة فی معرفة الصحابة، تهران: انتشارات اسماعیلیان.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۵ش)، علل الشرايع، قم: کتاب فروشی داوری.
۵. _____ (۱۳۶۲ش)، الخصال، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۶. ابن جوزی، ابی الفرج عبدالرحمن بن علی (۱۴۱۲ق)، المنتظم فی تاریخ الملوك والأمم، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۷. ابن حجر عسقلانی، شهاب الدین (۱۴۰۴ق)، تهذیب التهذیب، بیروت: دار الفکر.
۸. _____ (۱۴۱۵ق الف)، الإصابة فی تمییز الصحابة، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۹. _____ (۱۴۱۵ق ب)، تقریب التهذیب، بیروت: دار المکتبة العلمیة.
۱۰. _____ (۱۴۱۶ق)، التلخیص الحبیر فی تخریج أحادیث الرافعی الکبیر، قرطبه: مؤسسة قرطبة.
۱۱. _____ (۱۴۲۰ق)، المطالب العالیة بؤائد المسانید الثمانيّة، الرياض: دار العاصمة و دار الغیث.
۱۲. _____ (بی تا)، فتح الباری شرح صحیح البخاری، بیروت: دار المعرفة.
۱۳. ابن حنبل، أحمد (بی تا)، مسند الإمام أحمد بن حنبل، بیروت: دار صادر.
۱۴. _____ (۱۴۰۳ق)، فضائل الصحابة، بیروت: مؤسسة الرسالة.
۱۵. ابن حیون، نعمان بن محمد (۱۴۰۹ق)، شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۶. ابن سعد، محمد (بی تا)، الطبقات الکبری، بیروت: دار صادر.
۱۷. ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۹ق)، مناقب آل ابی طالب علیه السلام، قم: علامه.
۱۸. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله (۱۴۱۲ق)، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، بیروت: دار الجیل.
۱۹. ابن عمیره، احمد بن یحیی بن احمد (۱۹۶۷م)، بغیة الملتبس فی تاریخ رجال أهل الأندلس، قاهره: دار الکتب العربی.
۲۰. ابن فرضی، عبدالله بن محمد بن یوسف (۱۴۰۸ق)، تاریخ علماء الأندلس، قاهره: مكتبة الخانجي.
۲۱. ابن قولویه، جعفر بن محمد (۱۳۵۶ش)، کامل الزیارات، نجف اشرف: دار المرتضویة.
۲۲. ابن قیم جوزیه، محمد بن ابی بکر (۱۳۹۰ق)، المنار المنیف فی الصحیح والضعیف، حلب: مكتبة المطبوعات الإسلامية.
۲۳. ابن کثیر، ابی الفداء إسماعیل (۱۴۰۸ق)، البدایة والنهاية، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

۲۴. _____ (۱۳۹۵ق)، السیره النبویه، بیروت: دار المعرفة.
۲۵. ابن ماجه، أبی عبدالله محمد بن یزید (بی تا)، سنن ابن ماجه، بیروت: دار الفكر.
۲۶. ابن مردویه اصفهانی، أبی بکر أحمد بن موسی (۱۴۲۲ق)، مناقب علی بن أبی طالب وما نزل من القرآن فی علی، قم: دار الحديث.
۲۷. انیوبی، محمد آدم (۱۴۲۴ق)، ذخیره العقبی فی شرح المجتبی، دمشق: دار آل بروم.
۲۸. اعرجی کاظمی، محسن بن حسن (۱۴۱۵ق)، عدة الرجال، قم: اسماعیلیان.
۲۹. البانی، ناصرالدین (بی تا)، صحیح وضعیف سنن ابن ماجه، بی جا: بی نا.
۳۰. _____ (۱۴۱۲ق)، سلسله الأحادیث الضعیفة والموضوعة وأثرها السیئ فی الأمة، ریاض: دار المعارف.
۳۱. _____ (۱۴۱۵ق)، سلسله الأحادیث الصحیحة، ریاض: مكتبة المعارف.
۳۲. أمین، سید محسن (بی تا)، أعلان الشیعة، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
۳۳. امینی، محمد هادی (۱۴۱۲ق)، أصحاب أمير المؤمنين (علیه السلام) والرواة عنه، بیروت: دار الغدير.
۳۴. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۱ق)، صحیح البخاری، بیروت: دار الفكر.
۳۵. _____ (بی تا)، التاریخ الكبير، بی جا: بی نا.
۳۶. بلاذری، احمد بن یحیی (بی تا)، أنساب الأشراف، مصر: دار المعارف.
۳۷. بیهقی، أحمد بن الحسین (بی تا)، السنن الكبرى، بیروت: دار الفكر.
۳۸. _____ (۱۴۱۰ق)، شعب الإیمان، بیروت: دار الكتب العلمية.
۳۹. تبریزی، ابوطالب (بی تا)، معجم الثقافات وترتیب الطبقات، قم: مهر استوار.
۴۰. تمیمی بستی، محمد بن حبان (۱۳۹۳ق)، الثقافات، حیدرآباد دکن: مجلس دائرة المعارف العثمانية بحیدر آباد الدکن.
۴۱. ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد بن مخلوق (۱۴۱۸ق)، تفسیر الثعالبی، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۴۲. جرجانی، أبی أحمد عبدالله بن عدی (۱۴۰۵ق)، الكامل فی ضعفاء الرجال، بیروت: دار الفكر.
۴۳. حاکم نیشابوری، أبی عبدالله (بی تا)، المستدرک علی الصحیحین، بیروت: دار المعرفة.
۴۴. حسینی جلالی، محمد حسین (۱۴۲۲ق)، فهرس التراث، قم: دلیل ما.
۴۵. حسینی صدر، علی (۱۴۳۰ق)، الفوائد الرجالية، قم: دلیل ما.
۴۶. حلبی، أبو الفرج (بی تا)، السیرة الحلبیة، دار الكتب العلمية.
۴۷. حلبی، رضی الدین علی بن یوسف بن مطهر (۱۴۰۸ق)، العدد القویة لدفع المخاوف اليومية، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۴۸. حلبی، حسن بن علی بن داود (۱۳۴۲ش)، الرجال (لابن داود)، تهران: دانشگاه تهران.
۴۹. حموی، یاقوت بن عبدالله (۱۳۹۹ق)، معجم البلدان، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۵۰. خطیب تبریزی، محمد بن عبدالله (بی تا)، الإكمال فی أسماء الرجال، قم: مؤسسة أهل البيت (علیهم السلام).
۵۱. دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۱۲ق)، إرشاد القلوب إلى الصواب، قم: الشریف الرضی.
۵۲. ذهبی، شمس الدین (۱۳۸۲ق)، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، بیروت: دار المعرفة.
۵۳. _____ (۱۴۰۹ق)، تاریخ الاسلام ووفیات المشاهیر والأعلام، بیروت: دار الكتاب العربی.

٥٤. _____ (١٤١٣ق الف)، سير أعلام النبلاء، بيروت: مؤسسة الرسالة.
٥٥. _____ (١٤١٣ق ب)، الكاشف فى معرفة من له رواية فى الكتب الستة، جدّه: دار القبله للثقافة الاسلاميه.
٥٦. _____ (بى تا)، تذكرة الحفاظ، دار احياء التراث العربى.
٥٧. راغب اصفهانى، حسين بن محمد (١٤٢٥ق)، محاضرات الأدباء ومحاورات الشعراء والبلغاء، بيروت: شركة دار الأرقم بن أبى الأرقم.
٥٨. زركلى، خيرالدين (بى تا)، الأعلام، بيروت: دار العلم للملايين.
٥٩. سيوطى، جلال الدين (بى تا)، كفاية الطالب اللبيب فى خصائص الحبيب، المعروف بالخصائص الكبرى، بيروت: دار الكتاب العربى.
٦٠. شافعى مصرى، عمر بن على (١٤٢٥ق)، البدر المنير فى تخريج الأحاديث والآثار الواقعة فى الشرح الكبير، الرياض: دار الهجرة.
٦١. شوكانى، محمد بن على (١٩٧٣م)، نيل الأوطار من أحاديث سيد الأخيار، بيروت: دار الجيل.
٦٢. شهيد اول، محمد بن مكى (١٤١٨ق)، ذكرى الشيعة فى أحكام الشريعة، قم: مؤسسة آل البيت لإحياء التراث.
٦٣. شيرازى نجفى، محمد طاهر (١٤١٨ق)، الأربعين فى امامة الأئمة الطاهرين، قم: مطبعة الأمير.
٦٤. صالحى شامى، محمد بن يوسف (١٤١٤ق)، سبل الهدى والرشاد، بيروت: دار الكتب العلمية.
٦٥. صلابى، على محمد (١٤٢٥ق)، أمير المؤمنين الحسن بن على شخصيته وعصره، مصر: دار التوزيع والنشر الإسلامية.
٦٦. صفدى، صلاح الدين خليل بن أيبك (١٤٢٥ق)، الوافى بالوفيات، بيروت: دار إحياء التراث.
٦٧. طبرانى، أبى القاسم سليمان بن أحمد (بى تا)، المعجم الكبير، بى جا، بى نا.
٦٨. طبرى أملى، محمد بن جرير (١٤١٣ق)، دلائل الامامة، قم: بعثت.
٦٩. طبرسى، أحمد بن على بن أبى طالب (١٣٨٦ق)، الإحتجاج على أهل اللجاج، نجف: النعمان.
٧٠. طريحي، فخرالدين (بى تا)، المنتخب، بيروت: مؤسسة الاعلمى للمطبوعات.
٧١. طوسى، محمد بن حسن، (١٣٧٣ش)، رجال الطوسى، قم: جماعة المدرسين.
٧٢. عاملى، محمد بن جمال الدين (١٤١٨ق)، ذكرى الشيعة فى أحكام الشريعة، قم: مؤسسة آل البيت لإحياء التراث.
٧٣. عباسى زنجانى، موسى (١٤٣٩ق)، الجامع فى الرجال، قم: مؤسسه ولى العصر للدراسات الإسلامية.
٧٤. عجلى، أبو الحسن أحمد بن عبدالله (١٤٠٥ق)، معرفة الثقات، المدينة المنورة: مكتبة الدار.
٧٥. غزالى، أبو حامد (١٤١٧ق)، الوسيط فى المذهب، قاهره: دار السلام.
٧٦. قمى، على بن ابراهيم (١٤٠٤ق)، تفسير القمى، قم: دار الكتاب.
٧٧. كاظمى، عبد النبى (١٤٢٥ق)، تكملة الرجال، قم: أنوار الهدى.
٧٨. كلينى، محمد بن يعقوب بن اسحاق (١٤٠٧ق)، الكافى، تهران: دار الكتب الإسلامية.
٧٩. كوفى، محمد بن سليمان (١٤١٢ق)، مناقب الامام أمير المؤمنين، قم: مجمع احياء الثقافة الإسلامية.
٨٠. مازندراني حائرى، محمد بن اسماعيل (١٤١٦ق)، منتهى المقال فى أحوال الرجال، قم: مؤسسة آل البيت لإحياء التراث.
٨١. مامقانى، عبدالله (بى تا)، تنقيح المقال فى علم الرجال (رحلى)، بى جا، بى نا.

۸۲. متقی هندی، علاء الدین (۱۴۰۹ق)، *کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال*، بیروت: مؤسسة الرسالة.
۸۳. مدنی، علیخان بن احمد (۱۳۹۷ق)، *الدرجات الرفیعة فی طبقات الشیعة*، قم: مکتبه بصیرتی.
۸۴. مروزی، إسحاق بن إبراهیم (۱۴۱۲ق)، *مسند إسحاق ابن راهویه*، المدینة المنورة: مکتبه الایمان.
۸۵. مزّی، جمال الدین یوسف (۱۴۱۳ق)، *تهذیب الکمال فی أسماء الرجال*، بیروت: مؤسسة الرسالة.
۸۶. مظاهری، حسین (۱۴۲۸ق)، *الثقات الأخیار من رواة الأخبار*، قم، مؤسسة الزهراء علیها السلام الثقافية الدراسية.
۸۷. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، *الإختصاص*، قم: المؤتمر العالمی لالفیة الشیخ المفید.
۸۸. مناوی، محمد عبدالرؤوف (۱۴۱۵ق)، *فیض التقدير؛ شرح الجامع الصغیر من أحادیث البشیر النذیر*، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۸۹. نجفی، هادی (۱۴۲۳ق)، *موسوعة أحادیث أهل البيت علیهم السلام*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۹۰. نمازی شاهرودی، علی (۱۴۱۴ق)، *مستدرکات علم رجال الحدیث*، تهران: فرزند مؤلف.
۹۱. نوری طبرسی، حسین بن محمدتقی (۱۴۲۹ق)، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، لبنان: مؤسسة آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.
۹۲. نووی، محیی الدین بن شرف (بی تا)، *المجموع*، بیروت: دار الفکر.
۹۳. نیشابوری، مسلم بن حجاج (بی تا)، *صحیح مسلم*، بیروت: دار الفکر.
۹۴. هروی القاری، علی بن (سلطان) محمد (۱۴۲۲ق)، *مرقاة المفاتیح؛ شرح مشکاة المصابیح*، بیروت: دار الفکر.
۹۵. _____ (بی تا)، *الأسرار المرفوعة فی الأخبار الموضوعة المعروف بالموضوعات الكبرى*، بیروت: دار الأمانة.
۹۶. هلالی، سلیم بن قیس (۱۴۰۵ق)، *کتاب سلیم بن قیس الیهلالی*، قم: الیهادی.
۹۷. هَیْتَمی سعدی انصاری، ابوالعباس أحمد بن محمد بن علی ابن حجر (بی تا)، *الفتاوی الكبرى الفقهیة*، بیروت: دار الفکر.
۹۸. هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر (۱۴۰۸ق)، *مجمع الزوائد ومنبع الفوائد*، قاهره: مکتبه القدسی.

پی نوشت:

۱. آزمون کولموگروف - اسمیرنوف (Kolmogrov-Smirnov Z)، نرمال نبودن توزیع داده ها را نشان می دهد. اگر تست کولموگروف - اسمیرنوف رد شود، داده ها دارای توزیع نرمال می باشند و امکان استفاده از آزمون های آماری پارمتریک برای تحقیق، وجود دارد و بالعکس، اگر تست کولموگروف - اسمیرنوف تأیید شود، یعنی داده ها دارای توزیع نرمال نیستند.

2. Pearson Chi-square
3. cramers v